

حذف تیم هندی و پیامد آن برای سهمیه ایران
قیمت بالای یک بهانه



ندآهفگشا

تصمیمی عجیب بیرون از زمین مسابقه آمد. تیم موهان باگان هند، با ادعای مضحک «تبود امنیت در ایران»، از سفر به اصفهان و رویارویی با سپاهان خودداری کرد و در نهایت از گروه کنار گذاشته شد. تصمیمی که از نگاه هواداران ممکن است بی‌اهمیت جلوه کند اما در باطن تهدیدی جدی برای آینده فوتبال باشگاهی ایران محسوب می‌شود.

فرمول امتیازدهی کنفدراسیون فوتبال آسیا به‌گونه‌ای است که هر برد یا مساوی تیم‌های باشگاهی یک کشور، مستقیماً به رده‌بندی سهمیه‌های آن کشور اضافه می‌شود. حذف یک تیم ضعیف از جدول، به ظاهر برای حریفان خوشایند است چون بازی‌ها کمتر و انرژی ذخیره می‌شود اما در عمل فرصت بردهای آسان و امتیازهای تضمینی را از بین می‌برد. همین مسئله فصل گذشته با حذف همین تیم هندی از گروه تراکتور رخ داد و عملاً چند امتیاز بالقوه ایران دود شد. تنها یک برد برابر نماینده هند می‌توانست فاصله ایران با قطر را از میان بردارد اما آن فرصت هرگز به دست نیامد.

نتیجه مستقیم کنار گذاشتن تیم هندی، از دست رفتن یک سهمیه لیگ نخبان در فصل ۲۰۲۴-۲۵ بود. نتایج ضعیف تیم‌های ایرانی نیز شرایط را بدتر کرده است. تراکتور مقابل تیم‌های اماراتی الوحده و الاهلی متوقف شد و استقلال برابر الوصل شکست سنگینی خورد. این نتایج امید سبقت گرفتن از امارات را هم از بین برد.

با وجود این، کورسوی امید هنوز خاموش نشده است. تراکتور قرع‌ای نسبتاً مناسب دارد و اگر بتواند در دیدارهای مستقیم حریفان قدرتمندش را شکست دهد، راه برای بازگشت سهمیه ۲+۱ باز خواهد شد اما اگر همین روند ادامه پیدا کند، فوتبال ایران ناچار است برای فصل ۲۸-۲۰۲۷ تنها با یک سهمیه مستقیم و مسیری دشوار در پلی آف وارد لیگ قاره‌ای شود.

این ماجرا بار دیگر حقیقتی تلخ را نشان داد: فوتبال ایران نه‌تنها با توان فنی تیم‌های برترش، بلکه با تصمیم‌های بیرونی و حتی بهانه‌های واهی سرنوشتش تغییر می‌کند. در حالی که امنیت ایران در میزبانی مسابقات بارها به اثبات رسیده، یک ادعای بی‌پایه کافی بود تا نماینده هند حذف شود و همان حذف، برخلاف انتظار، ضربه‌ای سنگین به اعتبار و آینده فوتبال ایران وارد آورد.

اخبار

رئال شریک رژیم صهیونیستی از آب در آمد



رئیس باشگاه رئال مادرید در اشغال غیرقانونی فلسطین توسط اسرائیل دست دارد. فلورنتینو پرنز بنا به افشاکاری نشریه رپابلیک اسپانیا با رژیم اشغالگر در شهرک‌سازی‌های غیر قانونی در فلسطین اشغالی شرکت کرده است. شرکت متعلق به رئیس باشگاه رئال در ساخت بیش از ۲۰ شهرک صهیونیست‌نشین در فلسطین اشغالی همکاری کرده است.

پیش از این هم پرنز در اقدامی جنجالی مانع ورود پرچم‌های فلسطین به ورزشگاه بارناثو شد که این اقدامش خیرساز شده بود. نشریه اسپانیایی می‌نویسد شرکت ASC متعلق به فلورنتینو پرنز به دلیل کمک به پروژه شهرک‌سازی‌های غیرقانونی در فلسطین اشغالی «در لیست سیاه سازمان ملل» قرار گرفت. بنا به اطلاعات فاش شده، این شرکت بزرگ ساخت و ساز با قراردادهای چندین میلیون دلاری با اسرائیل، دستمزدهای نجومی بازیکنان رئال را پرداخت می‌کند.

طلا و نقره پرتاب وزنه جهان برای ورزشکاران ایران

قهرمان و نایب‌قهرمان ایرانی پرتاب وزنه در پارالمپیک پاریس، مدال‌های خود را در مسابقات پارادومپدیانی قهرمانی جهان تکرار کردند. به گزارش فارس، در ادامه دوازدهمین دوره رقابت‌های پارادومپدیانی قهرمانی جهان در دهلی‌نو، ورزشکاران رشته پرتاب وزنه کلاس 11F با یکدیگر به رقابت پرداختند که امیرحسین علیپور و مهدی اولاد به ترتیب با ثبت رکورد ۱۴۵٫۹ و ۱۴۲٫۳ صاحب مدال طلا و نقره شدند. علیپور با این پرتاب رکورد مسابقات قهرمانی جهان را شکست.

بدین ترتیب مدال‌های طلا و نقره در این رقابت همچون پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس، به ۲ نماینده ایران رسید.

برای چندمین بار در چند سال اخیر نام برانکو ایوانکوویچ برای آرام کردن سکوهای حامی پرسپولیس مطرح شد

شایعه درمانی!



آینده‌ای روی لبه تیغ

اگر پرسپولیس در هفته‌های آینده چند برد متوالی کسب کند، شاید موقتاً آرامش به اردوگاه سرخ برگردد اما تجربه نشان داده این آرامش شکننده است. کوچک‌ترین لغزش دوباره همه چیز را به نقطه صفر بازمی‌گرداند.

پرسپولیس در شرایطی است که یا باید به سرمرپی جوشش فرصت واقعی بدهد تا تیم را بسازد، یا خیلی زود به سمت تغییر برود و دوباره همه چیز را از نو شروع کند. هر ۲ راه پر هزینه است اما راه سوم – یعنی ادامه دادن وضعیت فعلی – بدترین سناریو خواهد بود: تیم بی‌روح، هواداران عصبانی و مدیریتی که فقط نظاره‌گر سقوط است. پرسپولیس امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند شفافیت، برنامه و جسارت است اما متأسفانه آنچه می‌بینیم چیزی جز سردرگمی و روزمرگی نیست. نیمکت لرزان نماد مدیریت لرزان است. تا وقتی مدیران جرأت پذیرش اشتباه و اصلاح ساختار را ندارند، هر مربی جدید هم دیر یا زود در این چرخه قربانی خواهد شد.

برانکو شاید برنگردد، شاید هم روزی دوباره روی نیمکت بنشیند اما مسأله اصلی فراتر از نام‌هاست. مشکل اصلی باشگاهی است که از ریشه بیمار است و هر بار با مُسکنی به نام شایعه زنده نگه داشته می‌شود. این روش آینده‌ای ندارد. اگر هواداران منغل باشند، این روند ادامه خواهد یافت. اگر رسانه‌ها به جای هیجان‌زدگی، حقیقت را بگویند، شاید تغییری رخ دهد اما تا آن روز، داستان همین است: نیمکت لرزان وحید هاشمیان، مدیریت مورد انتقاد شدید و شایعه‌ای که مثل سایه همیشه همراه پرسپولیس است.

هواداران حق دارند بپرسند: پول قراردادهای سنگین کجا خرج می‌شود؟ چرا هر فصل بدهی‌های جدید روی هم انباشته می‌شود؟ چرا برنامه‌ای برای تقویت زیرساخت‌های باشگاه وجود ندارد؟ وقتی هیچ پاسخ شفافی داده نمی‌شود، طبیعی است نام مربی سابق مثل یک ناجی دوباره وسط بیاید.

نامی که همیشه سایه می‌اندازد

برانکو ایوانکوویچ نه فقط یک مربی، بلکه نمادی از دوران باشکوه پرسپولیس است. او کسی بود که تیم را از روزهای بی‌ثباتی نجات داد و به انضباط و موفقیت رساند. از زمان رفتنش، هر بار نیمکت قرمزها لرزیده، نامش دوباره بر سر زبان‌ها افتاده. این بار هم مترجم ایرانی‌اش با چند اشاره آتش شایعات را شعله‌ور کرد.

اما این بار داستان کمی متفاوت است. او برای بازگشت شرط گذاشته: تغییر در بالاترین سطوح مدیریتی. یعنی خود او هم می‌داند مشکل اصلی نه روی نیمکت، بلکه در اتاق‌های مدیریتی باشگاه است. البته برانکو طبق معمول همه شایعات را تذکب کرده اما چه کسی است که باور کند این چرخه بی‌پایان بدون او ادامه پیدا می‌کند؟

شایعه‌ای که خوراک رسانه است

رسانه‌ها هم بی‌تقصیر نیستند. هر بار اوضاع کمی ملتهب می‌شود، تیم‌های درشت از بازگشت برانکو بازار را داغ می‌کنند. این شایعه مثل اکسیژنی تازه است برای فضای رسانه‌ای؛ کلیک‌خور، جنجالی و پرترفدار. حتی اگر برانکو هزار بار هم بگوید مذاکره‌ای نداشته، باز هم فردا صبح همان شایعه با کلمات دیگری منتشر خواهد شد.

هم شود و برای باشگاهی با این همه هوادار، مساوی‌های بی‌پایان حکم شکست دارد.

هوادار؛ سرمایه‌ای که می‌سوزد

اگر چیزی پرسپولیس را زنده نگه داشته، عشق و وفاداری میلیون‌ها هوادار است اما همین سرمایه امروز بیش از همیشه در معرض نابودی است. تماشاگران روی سکوها به مرز لبریز شدن رسیده. شعارهای اعتراضی علیه سرمرپی تنها نشانه سطحی ماجراست. عمق ماجرا آنجاست که بخشی از هواداران دیگر حتی از مدیرعامل هم عبور کرده‌اند. آنها می‌دانند مشکل پرسپولیس فقط روی نیمکت نیست؛ مدیریت بی‌برنامه و خریدهای بی‌کیفیت کار را به اینجا رسانده.

پنهان شدن پشت این بهانه که «دیگر مدعیان هم نتایج خوبی نگرفته‌اند» هیچ دردی را دوا نمی‌کند. پرسپولیس تیمی نیست که خودش را با ضعف رقبا مقایسه کند. پرسپولیس باید معیار باشد، نه دنباله‌رو. وقتی باشگاه از ابتدا فصل را با وعده‌های پررז و برق شروع می‌کند و حالا به مساوی‌های بی‌ثمر دلخوش است، هوادار حق دارد به خیانت متهمش کند.

مدیرانی که پشت میز خواب‌شان برده

مدیرعامل فعلی باشگاه همان‌قدر که در حرف زند مهارت دارد، در عمل ناتوان است. سال‌هاست این باشگاه با بحران‌های مدیریتی دست‌وپنجه نرم می‌کند. هر بار که نیمکت می‌لرزد، مدیران به جای پذیرش مسؤولیت، برای حفظ صندلی خود، یک قربانی جدید پیدا می‌کنند. امروز نوبت سرمرپی است. فردا اگر او هم بر کنار شود، مقصر بعدی پیدا خواهد شد و این چرخه معیوب، ادامه خواهد داشت.



علی‌داری‌ای

پرسپولیس این روزها بیش از آنکه در زمین مسابقه درگیر باشد، در حاشیه‌ها دست‌وپا می‌زند. تیمی که باید نماد ثبات و قدرت باشد، درگیر چرخه‌ای تکراری از شایعه، ضعف مدیریتی و ناکامی تاکتیکی شده است. هر بار که نتایج طبق انتظار پیش نمی‌رود، همان نام آشنا دوباره از دل خاطرات بیرون کشیده می‌شود: سرمرپی‌ای که سال‌ها پیش روزهای خوشی را برای هواداران رقم زد اما آیا پرسپولیس قرار است تا ابد اسیر گذشته بماند؟

فربب کلمات روی کاغذ

انتخاب سرمرپی فعلی بیشتر شبیه یک ریسک عجولانه بود تا تصمیمی حساب‌شده. مدیریتی که پس از جدایی مربی ترک در شوک فرو رفته بود، به جای برنامه‌ریزی دقیق و مذاکره با گزینه‌های کارنامه‌دار، به سرعت سراغ یک چهره محبوب رفت. اینکه کسی سال‌ها مهاجم تیم ملی بوده یا در اروپا بازی کرده، دلیل کافی برای موفقیت روی نیمکت نیست. فوتبال امروز چیزی فراتر از خاطره و شهرت می‌طلبد: دانش به‌روز، جسارت در انتخاب تاکتیک و البته مدیریت بحران.

واقعیت اما چیز دیگری است. تیمی که قرار بود با فوتبال هجومی هواداران را سر ذوق بیاورد، بعد از ۵ هفته تنها یک پیروزی دارد. دفاع شاید محکم باشد اما فوتبال فقط بستن فضاها نیست.

پرسپولیس با این سبک در بهترین حالت تبدیل می‌شود به تیمی که نمی‌بازد اما همزمان نمی‌تواند پیروز



مسعود رضایی

فورده نروژ، تنها یک تورنمنت مادی نیست؛ این میدان بزرگ، هم تکلیف قهرمانان ورزش‌پروری جهان را روشن می‌کند و هم روزهای است به سوی المپیک ۲۰۲۸ لس آنجلس. درست به همین دلیل، نگاه‌ها بیش از هر زمان دیگری متوجه کاروان ایران است؛ تیمی متشکل از ۸ ورزش‌بردار که با هدایت بهداد سلیمی، قهرمان سابق جهان و المپیک، می‌خواهد بار دیگر پرچم کشور را بر پام این رشته به اهتزاز در آورد.

صف‌آرایی هشت‌گانه ایران

اعزام ۸ ملی‌پوش نشان می‌دهد ایران با ترکیبی کامل به میدان آمده است. هر کدام از این ورزش‌برداران نماینده یک دسته وزنی‌اند؛ از میان‌وزن‌ها گرفته تا فوق‌سنگین‌ها. عبدالله بیرانوند در وزن ۷۹ کیلوگرم آغازگر حضور ایران خواهد بود. پس از او، ایلیا صالحی‌پور ۸۸ کیلوگرم، علی‌علی‌پور و علیرضا معینی در ۹۴ کیلوگرم، علیرضا نصیری و ابوالفضل زارع در ۱۱۰ کیلوگرم و در نهایت علی

به اهتزاز در آورد.

صف‌آرایی هشت‌گانه ایران

اعزام ۸ ملی‌پوش نشان می‌دهد ایران با ترکیبی کامل به میدان آمده است. هر کدام از این ورزش‌برداران نماینده یک دسته وزنی‌اند؛ از میان‌وزن‌ها گرفته تا فوق‌سنگین‌ها. عبدالله بیرانوند در وزن ۷۹ کیلوگرم آغازگر حضور ایران خواهد بود. پس از او، ایلیا صالحی‌پور ۸۸ کیلوگرم، علی‌علی‌پور و علیرضا معینی در ۹۴ کیلوگرم، علیرضا نصیری و ابوالفضل زارع در ۱۱۰ کیلوگرم و در نهایت علی به اهتزاز در آورد.

تیم‌های بزرگ پایتخت دل خوشی از ورزشگاه تختی ندارند. استقلال، پرسپولیس و پیکان، همگی ترجیح داده‌اند بازی‌های خانگی خود را در ورزشگاه شه‌دای شهر قدس برگزار کنند؛ تنها تیمی که ناچار به حضور در تختی بوده، چادرملو اردکان است. همین انتخاب نشان می‌دهد تختی حتی در میان تیم‌های داخلی نیز مقبولیت ندارد.



سیدالپه موسوی

داوودی و آیت شریفی در دسته فوق‌سنگین به میدان می‌روند. این ترکیب تنوعی از جوانان جویای نام و چهره‌های باتجربه را در کنار هم قرار داده است.

بازگشت قهرمان سابق در لباس رقیب

یکی از جذاب‌ترین بخش‌های رقابت‌ها، حضور کیانوش رستمی است. او سال‌ها با پرچم ایران افتخارآفرینی کرده؛مدال طلای المپیک ریو، نقره لندن و ۲ قهرمانی جهان تنها بخشی از کارنامه درخشان‌ش است. با این حال، اکنون رستمی تصمیم گرفته با پرچم کوزوو روی تخته برود. این تغییر

نه‌تنها برای هواداران ورزش ایران غافلگیرکننده است، بلکه تقابل او با نمایندگان جدید کشورمان در وزن ۹۴ کیلوگرم، به جذابیت‌های مسابقات افزوده است. رستمی این بار در برابر عالی‌پور و معینی قرار می‌گیرد؛ ۲ ورزش‌بردار جوانی که انگیزه زیادی برای اثبات توانایی‌های‌شان دارند. در کنار آنها، چهره‌هایی چون کارلوس ناسار از بلغارستان و فارس الیاخ از قطر نیز دیگر مدعیان جدی هستند.

مأموریت سخت‌سنگین‌وزن‌ها

۱۱۰ کیلوگرم، علیرضا نصیری وظیفه‌ای دشوار بر عهده دارد. او باید با ۲ نام بزرگ از ازبکستان، روسلان نورالدینوف و اکبر ژورائف

زخمی که پنهان نمی‌شود

هرچند مسؤولان ورزش تهران در ماه‌های اخیر تلاش‌هایی برای ترمیم این استنادیوم داشته‌اند اما واقعیت در همان هفته‌های نخست لیگ بیست‌وپنجم آشکار شد. نگاهی به زمین تختی کافی است تا همه متوجه شوند کیفیت آن فاصله‌ای طولانی با استانداردهای حرفه‌ای دارد. مدیرکل ورزش و جوانان استان تهران هم به طور تلویحی این موضوع را پذیرفته و البته با مقایسه‌ای طنزآلود گفته است: «کیفیت چمن تختی مثل لیگ برتر انگلیس نیست!» این تنها ضعف تختی نیست. جایگاه خبرنگاران در مرتفع‌ترین نقطه قرار گرفته، اینترنت در این بخش وجود ندارد، آنتن‌دهی در سالن نشست خبری ضعیف است و افراد متفرقه آزادانه وارد محدوده میکس‌دزون می‌شوند. همه اینها برای استادیومی که ادعای میزبانی قاره‌ای دارد، عیبی کوچک نیست.

حرف وزیر: حیرت خبرنگاران مجری برنامه‌ای تلویزیونی اخیراً به نقل از یکی از مسؤولان وزارت ورزش گفت: «وزیر ورزش پس از بازدید از تختی تأکید کرده در صورت تأیید ناظران AFC، می‌توان بازی‌های استقلال در لیگ آسیا را در این ورزشگاه برگزار کرد». به نظر می‌رسد وزیر محترم هنگام بازدید یا به سالن نشست خبری سری زده یا اگر رفته، اینترنت موبایلش را امتحان نکرده چگونه می‌توان میزبانی رقابتی بین‌المللی را به ورزشگاهی سپرد که ابتدایی‌ترین امکانات رسانه‌ای را هم ندارد؟

امید ایران به مسابقات جهانی وزنه‌برداری

وقت نمایش رسید

مبارزه کنده‌وزش‌کارانی که سابقه‌قهرمانی المپیک را دارند. در چنین شرایطی، حتی رسیدن به مدال نقره یا برنز برای نصیری می‌تواند موفقیتی چشمگیر باشد.

اما امید اصلی ایران به دسته فوق‌سنگین دوخته شده است.

علی داوودی که مدال نقره المپیک توکیو را دارد، به همراه آیت شریفی می‌خواهند مدال طلایی را که سال‌ها در انحصار تالاخوزه گرجی بود، به ایران بازگردانند. با غیبت این ستاره بزرگ، حالا لالایان از ارمنستان و میناسیان که با پرچم بحرین رقابت می‌کند، جدی‌ترین رقبای ایرانی‌ها محسوب می‌شوند. رکوردهای ورودی نشان می‌دهد نمایندگان کشورمان بخت اصلی را برای رسیدن به سکوی نخست دارند.

آغاز رسمی کارزار

از ۱۴ مهرماه، وزنه‌برداران ایران یکی‌یکی وارد صحنه خواهند شد. برانوند نخستین نفری است که روی تخته می‌رود و پس از او بقیه ملی‌پوشان در روزهای متوالی کار خود را آغاز می‌کنند. در مدت یک هفته، تکلیف تمام اوزن‌روشن و سرنوشت کاروان ایران در این رقابت‌ها مشخص می‌شود.

تجربه‌های تلخ هنوز زنده‌اند

خاطرها فراموش نشدن‌اند. از اعتراض «رونالدو» به کیفیت چمن آزادی در سال ۱۴۰۲ گرفته تا خنده‌های «خوسلو» پس از دیدن وضعیت نامطلوب شهر قدس در ۱۴۰۳. حالا آیا قرار است تختی سومین پرده این نمایش تلخ باشد؟ آیا ما خودمان می‌خواهیم دست به تکمیل سه‌گانه زمین‌های بی‌کیفیت در برابر چشم فوتبال دنیا بزنیم؟

چشم‌ناظران یا وجدان خودمان؟

شاید برخی بگویند داور اصلی ماجرا ناظران AFC هستند اما پیش از هر چیز، این نگاه نادانانه باید از سوی خود مدیران داخلی آغاز شود. وقتی چشم بر ضعف‌ها بیندیم و انتظار داشته باشیم دیگران چشم‌پوشی کنند، در واقع داریم با خودمان شوخی می‌کنیم. وزیر ورزش هم در اظهار نظرهای اخیرش به طور کامل تضمین نداده و همین نشان می‌دهد مشکلات تختی آنقدر جدی است که نادیده گرفتن‌شان غیرممکن است.

ورزشگاه تختی یادگاری از گذشته فوتبال ایران است اما نمی‌توان با خاطره و نوستالژی به جنگ استانداردهای امروز رفت. اگر قرار است میزبانی در سطح قاره‌ای داشته باشیم، باید زمین، امکانات و خدمات‌مان در قد و قواره آسیا باشد. در غیر این صورت، هر حرفی درباره برگزاری بازی‌های لیگ آسیا در تختی چیزی جز یک شوخی تلخ نیست. لطفاً نه با ما و نه با خودتان از این شوخی‌ها کنجید.

